

فرایندهای هویتی در غرب و بازنمایی سیاستگذاری مبتنی بر هراس: درک زمینه‌های اسلام‌هراسی*

علی اشرف نظری^۱

دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۱۹ - تاریخ تصویب: ۹۵/۸/۲۳)

چکیده

در یک دهه اخیر شاهد ظهور گرایش‌های فکری متفاوتی بوده‌ایم که هر یک تلاش داشته‌اند با تکیه بر تصورات و پنداشت‌های خود، به تقویت جایگاه هویتی «خود» و نفی «دیگری» بپردازند. فرایندهای فکری و هویتی موجود در اروپا و ایالات متحده، دربرگیرنده تحلیل‌هایی درباره چگونگی برساخته شدن هویت اسلامی در اروپا و نحوه بازنمایی هویت اسلامی است. پرسش اصلی این است که سیاستگذاری معطوف به اسلام‌هراسی چه هنجارها و ادراکاتی را با هدف غیرت‌سازی و حذف گفتمان اسلام‌گرایی بازتولید می‌کند؟ فرضیه مقاله این است که الگوهای هویتی ظهور یافته در رابطه با اسلام در غرب، در قالب دویاره‌گی معرفت‌شناختی، شکاف میان دو جهان هویتی و نهادها و ساختارهای سیاسی-اجتماعی متفاوت (مفروضات الهیاتی و ژئوپولیتیک) است که در چارچوب سیاستگذاری کنترل و مهار مسلمانان در اروپا، کنار گذاشتن مسلمانان اروپا از عضویت در احزاب (اغلب بدون حق رأی)، غیرقانونی اعلام کردن عمل بر اساس شریعت، سیاست یکسان‌سازی، تلقی مسلمانان به عنوان «دشمنان داخلی»، قانون منع ساختن مناره و مبارزه با تروریسم بازنمایی می‌شود. مقاله حاضر با هدف اتخاذ نگرشی چندبعدی به بحث اسلام‌گرایی، تلاش می‌کند ضمن ارائه زمینه‌های تاریخی، اندیشه‌ای و جامعه‌شناختی، ماهیت و ابعاد سیاست اسلام‌هراسی را به نحوی علمی و مستند بیان کند. بررسی آسیب‌شناسی رویکردها، ادراکات و چشم‌اندازهای اسلام‌هراسی و ارائه رویکردی ایجابی در واکنش به این مسئله، هدف اصلی نوشتار حاضر است.

واژگان کلیدی: هویت، اسلام‌هراسی، سیاستگذاری، بیگانه‌هراسی، رسانه

* مقاله حاضر مستخرج از طرح فرایندهای هویتی و بازنمایی سیاست هراس: درک زمینه‌های اسلام‌هراسی است که از محل اعتبار پژوهشی استادان در دانشگاه تهران انجام شده است.

1 - aashraf@ut.ac.ir

مقدمه

اسلام‌هراسی، ترس و نفرت از اسلام، تلقی اسلام و مسلمانان به عنوان کلیتی افراطی، در نظر گرفتن اسلام به عنوان مشکلی برای جهان کنونی، برخورد تبعیض‌آمیز و تحقیرآمیز با مسلمانان، تأکید بر این که مسلمانان در صدد ایجاد تغییر بر اساس دین خود هستند، باعث دفع آنها و اعمال تبعیض علیه آنها می‌شود. در تعابیر رایج پیرامون هویت اسلام سیاسی، اندیشمندان و نویسندگان غربی با تلاش برای قلب مفهوم واقعی اسلام سیاسی، به ایجاد و گسترش اسلام‌هراسی دامن زده‌اند. عده‌ای از نظریه‌پردازان نظیر «ساموئل هانتینگتون» و «برنارد لوئیس» با بهره‌گیری از مفاهیمی نظیر بنیادگرایی، رادیکالیسم و سنت‌گرایی که خصلمتی منتقدانه را در رابطه با پدیده اسلام‌گرایی منعکس می‌کند، در صدد برآمده‌اند تا به القای اسلام‌هراسی بپردازند. جان ففر^۱ در کتاب **جنگ صلیبی ۲**^۲ معتقد است که از جنگ‌های صلیبی در سده‌های میانه تا جنگ جهانی در سده بیستم، غربیان همواره اسلام را از پشت شیشه‌های خصومت‌آمیز و جنگ‌های تاریخی نگریسته‌اند و این رویکرد در نگرش آنها نسبت به مسلمانان عصر حاضر نیز تأثیر گذاشته است. اسلام در امریکا، تا حدی به دلیل خصومت‌های مذهبی و تا حدی نیز به خاطر تهدیدات ژئوپولیتیک با گونه‌ای «اضطراب فرهنگی» همراه شده که بر خلاف مسیحیان اخلاقی و دموکراتیک چهره‌ای دشمنانه ترسیم می‌کند. ففر معتقد است که این اسلام-هراسی ترکیبی از مفروضات الهیاتی و ژئوپولیتیک است که تهدیدی علیه ساختار سیاسی امریکا تلقی می‌شود، ساختاری که سنت مسیحی امریکایی را حفظ می‌کند. ترس از اسلام سیاسی رفتارهای مخاطره‌آمیز و افراطی دیگری را نیز منجر شده است: چهار ایالت امریکایی عمل بر اساس شریعت را غیرقانونی اعلام کردند. در اوکلاهما که این قانون در سال ۲۰۱۰ تصویب شد، جمعیت مسلمان کمتر از یک درصد است. اروپایی‌ها در این زمینه بهتر نیستند: در سال ۲۰۰۹ سویس قانون منع ساختن مناره را تصویب کرد، در حالی که در کل کشور چهار مناره وجود داشت (Glennon, 2014).

بسیاری از کارشناسان در سه دهه گذشته گسترش موج بازخیزی اسلامی از جمله شکل سیاسی آن را ناشی از ویژگی‌های اسلام همچون درهم آمیختگی مذهب و سیاست و وحدت و یکپارچگی امت اسلام به عنوان ماهیتی فراقومی و فراملی می‌دانند (سجادی، ۱۳۸۳: ۱۳۳-۱۳۴). از این رو، پژوهشگران و رسانه‌های غربی پس از رویداد ۱۱ سپتامبر برای جلوگیری از بازتولید هویت اسلامی نقطه تمرکز خود را بحث درباره افراط‌گرایی اسلامی^۳ دانستند که به

1- John Feffer

2- Crusade 2.0

3- Islamic extremism

مثابه تهدیدی برای دموکراسی کثرت‌گرا^۱ معرفی می‌شد. برخی از آنها دریافتند که افراط‌گرایان سازماندهی شده گروهی کوچک^۲ در بین مسلمانان هستند و نباید اقدامات آنها را به کل جهان اسلام تعمیم داد، اما کارهای اندکی با هدف ارائه فهمی دقیق از اکثریت مسلمانان ارائه شد. (Henkel, 2004: 962-963; Klausen, 2005: 12).

جان ففر^۳ در کتاب *جنگ صلیبی*^۴ معتقد است که از جنگ‌های صلیبی در سده‌های میانه تا جنگ جهانی در سده بیستم، غربیان همواره اسلام را از پشت شیشه‌های خصومت‌آمیز و جنگ‌های تاریخی نگریسته‌اند و این رویکرد در نگرش آنها نسبت به مسلمانان عصر حاضر نیز تأثیر گذاشته است. اسلام در امریکا، تا حدی به دلیل خصومت‌های مذهبی و تا حدی نیز به خاطر تهدیدات ژئوپولیتیک با گونه‌ای «اضطراب فرهنگی» همراه شده که بر خلاف مسیحیان اخلاقی و دموکراتیک چهره‌ای دشمنانه ترسیم می‌کند. ففر معتقد است که این اسلام-هراسی ترکیبی از مفروضات الهیاتی و ژئوپولیتیک است که تهدیدی علیه ساختار سیاسی امریکا تلقی می‌شود، ساختاری که سنت مسیحی امریکایی را حفظ می‌کند. ترس از اسلام سیاسی رفتارهای مخاطره‌آمیز و افراطی دیگری را نیز منجر شده است: چهار ایالت امریکایی عمل بر اساس شریعت را غیرقانونی اعلام کردند. در اوکلاهما که این قانون در سال ۲۰۱۰ تصویب شد، جمعیت مسلمان کمتر از یک درصد است. اروپایی‌ها در این زمینه بهتر نیستند: در سال ۲۰۰۹ سویس قانون منع ساختن مناره را تصویب کرد، در حالی که در کل کشور چهار مناره وجود داشت (Glennon, 2014).

بسیاری از کارشناسان در سه دهه گذشته گسترش موج بازخیزی اسلامی از جمله شکل سیاسی آن را، ناشی از ویژگی‌های اسلام همچون درهم آمیختگی مذهب و سیاست و وحدت و یکپارچگی امت اسلام به عنوان ماهیتی فراقومی و فراملی می‌دانند (سجادی، ۱۳۸۳: ۱۳۳-۱۳۴). از این رو، پژوهشگران و رسانه‌های غربی پس از رویداد ۱۱ سپتامبر برای جلوگیری از بازتولید هویت اسلامی نقطه تمرکز خود را بحث درباره افراط‌گرایی اسلامی^۵ دانستند که به مثابه تهدیدی برای دموکراسی کثرت‌گرا^۶ معرفی می‌شد. برخی از آنها دریافتند که افراط‌گرایان سازماندهی شده گروهی کوچک^۷ در بین مسلمانان هستند و نباید اقدامات آنها را به کل جهان اسلام تعمیم داد، اما کارهای اندکی با هدف ارائه فهمی دقیق از اکثریت مسلمانان ارائه شد.

1- pluralist democracies

2- tiny faction

3- John Feffer

4- Crusade 2.0

5- Islamic extremism

6- pluralist democracies

7- tiny faction

- (Henkel, 2004: 962-963; Klausen, 2005: 12). در پرتو این رویکرد، اسلام‌هراسی تلاش دارد تا اسلام‌گرایی با چنین ویژگی‌هایی تشخیص (هویت) می‌یابند:
- طرفداری از بازگشت به اصول اولیه مکتب اسلام
 - ضدیت با تفسیر و پایبندی شدید به الفاظ و نصوص مقدس
 - رفتار افراطی، ستیزه‌جویانه و مطلق‌گرایانه
 - تلاش برای تطبیق شریعت با موضوعات اجتماعی و پیاده کردن شریعت به هر نحو (سیاست‌زدگی)
 - ناتوانی در بیرون رفتن از فضای فرهنگی خود و برتر دانستن خویش
 - مخالفت با نوگرایی و تأکید بر تقلید در دین
 - تأکید بر اسلامی کردن همهٔ وجوه تمدن.

پرسش اصلی این است که سیاستگذاری معطوف به اسلام‌هراسی چه هنجارها و ادراکاتی را با هدف غیریت‌سازی و حذف گفتمان اسلام‌گرایی بازتولید می‌کند؟ فرضیه مقاله این است که الگوهای هویتی ظهور یافته در رابطه با اسلام در غرب، در قالب دوپاره‌گی معرفت‌شناختی، شکاف میان دو جهان هویتی و نهادها و ساختارهای سیاسی - اجتماعی متفاوت (مفروضات الهیاتی و ژئوپولیتیک) است که در چارچوب سیاستگذاری کنترل و مهار مسلمانان در اروپا، کنار گذاشتن مسلمانان اروپا از عضویت در احزاب (اغلب بدون حق رأی)، غیرقانونی اعلام کردن عمل بر اساس شریعت، سیاست یکسان‌سازی، تلقی مسلمانان به عنوان «دشمنان داخلی»، قانون منع ساختن مناره و مبارزه با تروریسم بازنمایی می‌شود. بررسی آسیب‌شناختی رویکردها، ادراکات و چشم‌اندازهای اسلام‌هراسی و ارائه رویکردی ایجابی در واکنش به این مسئله، هدف اصلی نوشتار حاضر است.

زمینه‌شناسی مفهومی اسلام‌هراسی

بیگانه‌هراسی که دارای قدمت طولانی‌تری در فرهنگ غربی می‌باشد، ارتباط تنگاتنگی با مسئله اسلام‌هراسی دارد، به‌گونه‌ای که بیگانه‌هراسی یا اجنبی‌ترسی مقدمه و پیش‌شرط شکل‌گیری اسلام‌هراسی به شمار می‌رود. بیگانه‌هراسی که «ترس و نفرت از غریبه‌ها و خارجی‌ها یا هرچه که غریب و خارجی است»، از طریق «دیگرسازی» خود را تقویت می‌کند و از آن بهره می‌گیرد تا با ایجاد «دیگری»، به هویت «ما» تشخیص بخشد (مجیدی و صادقی، ۱۳۹۳: ۱۰۷). در واقع، بیگانه‌هراسی معادل فارسی واژه *xenophobia* است که به معنای القای نوعی ترس موهوم و عمیق نسبت به پدیده و هر چیز ناآشنا یا غیرخودی، به کار رفته است.

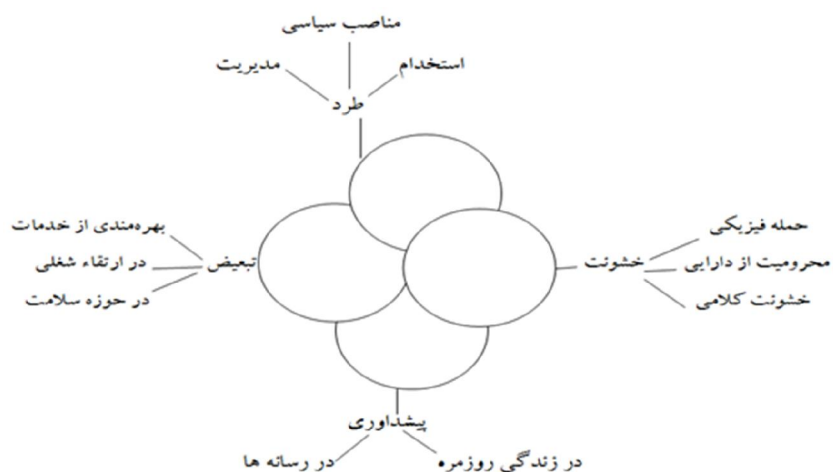
رابطه میان اسلام‌هراسی با زنفوبیا از این منظر مهم است که بیگانه‌هراسی مقدمه و پیش‌شرط موفقیت ترویج اسلام‌هراسی به شمار می‌رود؛ به عبارت روشن‌تر، ابتدا از اسلام به عنوان یک آیین بیگانه، غیرخودی، اجنبی و غریب یاد می‌شود که در دشمنی آشکار با جوامع غربی است. از این دید مسلمانان (حتی مسلمانان ساکن و شهروند غرب) موجوداتی بیگانه، اجنبی و غیرخودی تلقی می‌شوند. کوفی عنان-دبیر کل سابق سازمان ملل - به این نکته اذعان داشته و اسلام‌هراسی را مولود بیگانه‌هراسی می‌داند که با سوء استفاده مروجان آن از جهالت و عدم ناآگاهی مخاطبان خود از اسلام به تعقیب سیاست‌های خود می‌پردازند (خانی، ۱۳۸۸: ۴۸).

اسلام‌هراسی که در زبان انگلیسی «*Islamophobia*» و معادل واژه عربی آن «التخویف من الاسلام» خوانده می‌شود، در پایان دهه ۱۹۹۰، توسط «کمیسیون امنای رانیمید» به عنوان نوعی بیم و تنفر از اسلام تعریف شد که به احساس ترس یا ناپردباری در قبال همه مسلمانان می‌انجامد (عیسانویچ، ۱۳۸۸: ۵۰). در تعابیر رایج اسلام‌هراسی، مسلمانان به عنوان افرادی تلقی می‌شوند که با ارزش‌های غربی در تقابل هستند و به عنوان دشمن و تهدید، برای ارزش‌ها و انسجام ملی غرب به شمار می‌آیند. برخی دیگر نیز اسلام‌هراسی را نوعی تصویر ذهنی نسبت به اسلام می‌دانند، به‌گونه‌ای که مخاطب در مقابل طرح، استقرار و یا توسعه نظام اسلامی در حوزه‌ای خاص (اعم از فروملی، ملی یا فراملی) واکنش منفی (اعم از نظری یا عملی) از خود بروز دهد (افتخاری الف و ب، ۱۳۸۸: ۳۱).

اسلام‌هراسی به عنوان پیش‌داوری و تعصب علیه مسلمانان و جهان اسلام تعریف شده است. از لحاظ ریشه‌شناسی واژه، این عبارت مرکب از دو واژه *Islam* و *Phobia* می‌باشد که به معنای «ترس غیر عقلانی» و «بیزاری و نفرت» از چیزی به کار رفته است. در فرهنگ آکسفورد تعریف اسلام‌هراسی چنین است: «ترس یا تنفر از اسلام، مسلمانان و فرهنگ اسلامی به ویژه زمانی که ترس از آن به عنوان یک نیروی سیاسی است» (<http://www.oxforddictionaries.com/definition/english/Islamophobia>). در حالی که گرایش‌های اسلامی در برگیرنده طیف گسترده‌ای از جریان‌هایی است که در یک سر طیف آن اسلام‌سیاسی و در سر دیگر طیف اسلام حدافلی قرار می‌گیرد، در گفتمان اسلام‌هراسی تصویری یکپارچه و کلی از هویت اسلامی ارائه می‌شود. این در حالی است که با نگاهی دقیق و سوگیرانه می‌توان طیف‌های متنوع و متکثری در میان اسلام‌گرایان شناسایی کرد. بالطبع این تجارب متفاوت موجب ظهور نگرش‌ها و هویت‌های گوناگون در قالب اسلام‌گرایی در کشورهای نظیر ایران، ترکیه، عربستان، مصر، مالزی و اندونزی شده است.

مجله نیویورکر در ماه سپتامبر ۲۰۰۷ م. گزارش داد که «بارنت روپین» معتقد است «دیک چنی» به بنگاه‌های رسانه‌ای نومحافظه‌کار، از جمله وال‌استریت ژورنال و فاکس نیوز دستور داده

تا تبلیغات وسیعی برای قبولاندن اندیشه دشمنی با ایران به راه اندازند که اکنون آثار آن تبلیغات مشهود شده است. در نظرسنجی انجام شده در اوایل سال ۲۰۰۸ م نشریه *Global Research* شماره ۲ آوریل ۲۰۰۸ م، یک چهارم آمریکایی‌ها معتقد بودند که اکنون ایران بزرگ‌ترین تهدید را متوجه ایالات متحده کرده است. او در ادامه می‌گوید که بر اساس نظرسنجی انجام شده توسط گالوپ، ایران با ۲۵ درصد در صدر فهرست دشمنان قرار دارد. عراق با ۲۲ درصد، چین با ۱۴ درصد و کره شمالی با ۹ درصد، در مقام‌های بعدی قرار گرفته‌اند (بنگاش، ۱۳۸۹: ۱۵۷-۱۵۸).



شکل ۱- مدل عملیاتی اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی.

سیاستگذاری مبتنی بر هراس در اروپا

مسائل مسلمانان در کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا مانند مسائل دیگر اقلیت‌های دینی عبارت است از: مسائل مربوط به وحدت و یکپارچگی، مسائل مربوط به صیانت از ایمان دینی‌شان و عمل به آن در جوامعی که مبتنی بر ارزش‌های یهودی - مسیحی یا سکولار غیردینی‌اند. هر چند تقابل و تعارض ایجاد شده بین اسلام و مسیحیت در اروپا، بیش از آن که برآمده از تفاوت در جهان‌بینی‌های این دو و مسائل اعتقادی و باورها باشد (به واسطه این که هر دو در زمره ادیان توحیدی هستند)، ناشی از «سیاست نگاه»^۱ (Turner, 2003: 52) است که مبتنی بر تصویری است که بیشتر بر پایه تجارب مجازی^۲ شکل گرفته و از طریق تکنولوژی‌های خاص بازنمایی به خصوص روزنامه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای تقویت می‌شود.

1 - The Politics of the eye

2 - virtual experiences

به عنوان مثال، یکی از مسائلی که در سال‌های اخیر مشکلاتی را در روابط مسلمانان با جامعه اکثریت ایجاد می‌کند، مسأله حجاب است. در فرانسه، آلمان، انگلیس، ایالات متحده و کانادا به حجاب نه تنها به عنوان سمبل اسلام نمی‌نگرند، بلکه همچنین به عنوان سمبل اسلام سیاسی شده می‌نگرند و به آن به عنوان نوعی رفتار سیاسی منتقدانه نگریسته می‌شود. بنابراین آن گونه که به یهودیانی که عرق‌چین مذهبی بر سر می‌گذارند، یا سیک‌هایی که عمامه به سر می‌نهند یا مسیحیانی که صلیب به گردن می‌اندازند، به پوشیدن حجاب توسط زن مسلمان نگریسته نمی‌شود. بلکه در عوض پوشیدن حجاب فعالیتی مذهبی سیاسی و نه صرفاً آئینی مذهبی تلقی می‌شود. حتی زن با حجابی که در گروه‌های سیاسی هیچ گونه عضویتی ندارد، بلافاصله او را با یک شناسنامه سیاسی مرتبط می‌کنند و او را یک تهدید به حساب می‌آورند، زیرا او حجاب می‌پوشد (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۱۵). از این رو، مسایل مربوط به زبان، اجتماع و ایمان در میان مسلمانان با حساسیت ویژه‌ای بازنمایی می‌شود و در صدد بر می‌آید تا اختلافات را عمیق و بنیادین معرفی کند. این اختلافات با مشکلات مسلمانان در داخل جوامع آمریکایی و اروپایی که در آنها هنوز اسلام با نظرات کلیشه‌ای توصیف می‌شود و با ترس و بدگمانی به مسلمانان نگریسته می‌شود، وخیم‌تر می‌گردد. آنها مسلمانان را افرادی بسیار افراطی و اسلام را دینی ذاتاً خشن و به لحاظ دینی و فرهنگی افراطی می‌دانند.

بسیاری از مسلمانان با زندگی کردن به عنوان اقلیت در فرهنگی غالب که از اسلام بی‌خبر یا حتی با آن دشمن است احساس نادیده گرفته شدن، بیگانگی و ناتوانی را تجربه می‌کنند. تصویر رسانه‌های گروهی از اسلام و مسلمانان به عنوان افراطی و تهدید اصلی برای جهان در دوره بعد از جنگ سرد که اسلام را با افراطی‌گری و تروریسم یکی می‌داند، کاملاً زنده است (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۱۰-۱۱). «اکبر احمد» نیز با برجسته نمودن تحلیل فرهنگی در ارتباط با ظهور اسلام‌گرایی، بر اجتناب‌ناپذیری تصادم اسلام غرب به دلیل ابتدای آنها بر بنیان‌های متفاوت تأکید می‌کند. به‌زعم وی، غرب بر پایه، ماتریالیسم سکیولار، استدلال علمی و عدم حضور فلسفه اخلاق استوار است. در حالی که اسلام بر اعتقاد، ایمان و برابری تأکید دارد. اسلام‌گرایان با طرد سیاست‌های سکیولاریستی، بر این اعتقادند که با اتکاء به ارزش‌های دینی، ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بازآفرینی شود و عرصه عمومی متأثر از نوعی «سیاست مصلحانه» و «اخلاقی» از فساد و تباهی رها شده شود (نظری، ۱۳۸۷: ۶۵). در واقع، وجود اهداف متضاد، تنش‌هایی دوگانه را بین مسلمانان و دیگر افراد جامعه ایجاد می‌کند: از یک سو به مسلمانان در کشورهای غربی گفته می‌شود که باید در اجتماع فعالانه‌تر عمل کنند، از سوی دیگر غالباً وقتی مسلمانان می‌کوشند چنین کنند و سهمی در قدرت داشته

باشند، گروه‌های دیگر احساس ترس می‌کنند و از عمل‌گرایی اسلامی بیزاری می‌جویند (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۱۰).

یکی از محورهای اصلی جنبش‌های اسلامی در اروپا، بحث شهروندی است. موقعیت گفتمانی مسلمانان به عنوان تهدید امنیتی به طور گسترده در سیاست‌های دولتی و رسانه‌ها انعکاس یافته است. مسلمانان به عنوان افرادی ضد شهروندی^۱ و مظنون به فعالیت‌های مجرمانه^۲ معرفی می‌شوند (Qureshi and Zeitlyn, 2012: 111). رازک^۳ استدلال می‌کند که جنگ بر ضد تروریسم به تاریخ مواجهه غرب با دیگر نژادها باز می‌گردد. به رغم وجوه مختلف نژادپرستی، استدلال او این است که بر اساس این تصور افراد مدرن و آگاه باید خود را از شر جانیان تروریست که به زعم غربی‌ها، مسلمانان و اعراب هستند، محافظت کنند و باید زنان در معرض خطر را از خشونت‌هایی که مردان مسلمان از طریق تحمیل نشانه‌هایی نظیر برقع^۴ اعمال می‌کنند نجات داد که نه تنها نشانه بربریت است بلکه مهمتر این که ادله‌ای برای تجاوز و اشغالگری است (Qureshi and Zeitlyn, 2012: 112).

در یک مطالعه که در مورد وضعیت برخورد مسلمانان در هشت کشور اروپایی صورت پذیرفت نمونه‌های مختلفی از رویکرد ضد مسلمانی میان شهروندان این کشورها به چشم می‌خورد: اکثریت مردم در این کشورها معتقد هستند مسلمانان خواسته‌های بیش از حدی دارند و باعث بی‌ثباتی می‌شوند. همچنین شواهد حاکی از وجود نگرانی بابت حضور اقلیت مسلمان در این کشورها بوده است به طوری که حداقل ۴۰ درصد پاسخ دهندگان در بریتانیا، آلمان، ایتالیا و هلند عقیده داشته‌اند که تعداد مسلمانان در کشورشان بیش از اندازه و زیاد است. این مطالعه همچنین به این نکته اشاره می‌کند که اروپایی‌ها به شکل گسترده‌ای در مورد مسئله ضدیت با مسلمانان با یکدیگر هم عقیده‌اند (Zick et al, 2011).

جدول ۱- رویکرد نسبت به مسلمانان در میان هشت کشور اروپایی (Zick et al, 2011) ۲۰۱۱

مجارستان	پرتغال	لهستان	ایتالیا	هلند	فرانسه	بریتانیا	آلمان	
۶۰.۷	۲۷.۱	۴۷.۱	۴۹.۷	۴۱.۵	۳۶.۲	۴۴.۷	۴۶.۱	تعداد مسلمانان در کشور بیش از اندازه است
۶۰.۰	۳۴.۴	۶۲.۳	۶۴.۷	۵۱.۸	۵۲.۸	۵۰.۰	۵۴.۱	مسلمانان خواسته‌های زیادی دارند

1- anti-citizen

2- criminalized 'suspect community'

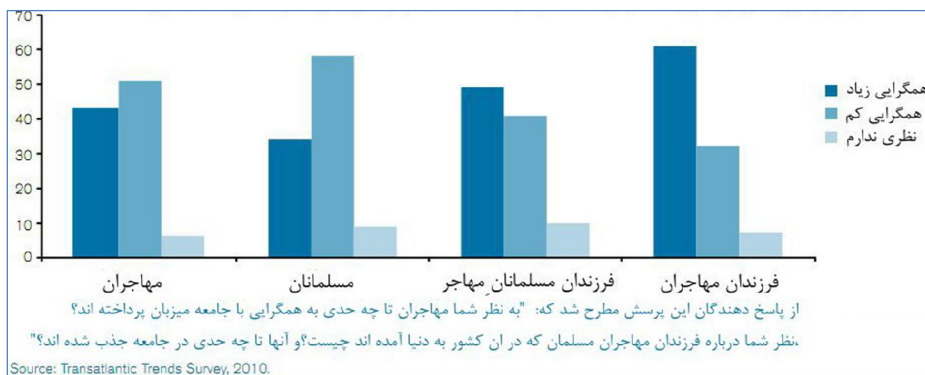
3- Razack

4- burqa

فرایندهای هویتی در غرب و بازنمایی سیاستگذاری مبتنی بر هراس: درک... ۱۲۷

۵۳.۴	۶۲.۲	۶۱.۵	۶۰.۴	۴۶.۷	۵۲.۳	۴۷.۲	۵۲.۵	اسلام دین نابر دباری است
۳۰.۲	۵۰.۱	۱۹.۰	۲۷.۴	۳۸.۷	۴۹.۸	۳۹.۰	۱۶.۶	فرهنگ اسلام قابلیت همنشینی در کشور / اروپا را دارد
۷۶.۸	۷۲.۱	۷۲.۱	۸۲.۲	۷۸.۲	۷۸.۸	۸۱.۵	۷۶.۱	رویکرد مسلمانان در قبال زنان در تناقض با ارزش‌های ماست
۳۹.۳	۳۰.۳	۳۰.۲	۲۸.۵	۲۹.۲	-	۳۷.۶	۲۷.۹	بسیاری از مسلمانان تروریست‌ها را قهرمان میدانند
۲۹.۶	۲۲.۴	۲۶.۰	۲۱.۵	۱۹.۹	۲۳.۳	۲۶.۳	۱۷.۱	اغلب مسلمانان تروریسم را امری توجیه پذیر میدانند

نمودار شکل ۲ حاکی از آن است که فرزندان مهاجران مسلمان در مقایسه با مهاجران غیر مسلمان کمتر به همگرایی با جامعه علاقه نشان داده‌اند. ولی به طور کلی می‌توان گفت در مقایسه با والدین هر دو گروه خواستار همگرایی بیشتری با جامعه بوده‌اند.



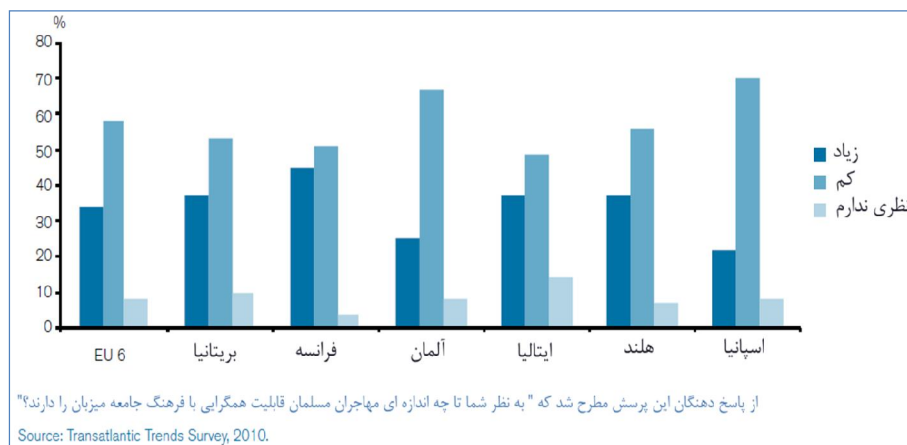
شکل ۲- دیدگاه مردم اروپا در مورد میزان همگرایی مسلمانان در مقایسه با دیگر مهاجران در شش کشور اروپا.

به غیر از این مطالعات مقایسه‌ای و چند کشوری، بررسی موردی کشورها هم نتایج مشابهی به دنبال داشته است:

شواهد دیگر حاکی از آن است که سیطره ایدئولوژی‌های ملی و اعمال سطوح متنوعی از طرد در قالب ایدئولوژی‌های ملی در دولت‌های اروپایی، موانع بی شماری را برای فعالیت مسلمانان اروپا ایجاد می‌کنند. به عنوان نمونه، جنبش «پگیدا» یکی از جنبش‌های فعال در آلمان در زمینه القای اسلام‌هراسی است که شعار و هدف اصلی آن مخالفت با «اسلامی شدن» کشورهای اروپایی است و دسته‌های افراطی و نئونازی‌ها با گرایش‌های شونویستی و بیگانه-

هراسانه در آن حضوری پررنگ دارند. نتایج یک بررسی در بریتانیا در سال ۲۰۰۲ حاکی از آن است که بیش از نیمی از جمعیت این کشور معتقدند که هیچ گونه نقطه اشتراک فرهنگی با مسلمانان بریتانیا ندارند، ۲۵ درصد از آنها حتی پا را از این هم فراتر گذاشته و معتقدند که اسلام و ارزش‌های غربی به هیچ وجه نمی‌توانند در صلح و صفا در کنار هم به حیات خود ادامه دهند (Goodwin, 2011: 19).

میزان نارضایتی از حضور مسلمانان در اروپا رشد چشم‌گیری داشته است به طوری که در دانمارک در سال ۱۹۹۴ تنها ۳۵ درصد از رای دهندگان معتقد بودند که اسلام هویت ملی آنها را مورد تهدید قرار داده ولی این میزان در سال ۲۰۰۷ به ۸۱ درصد صعود پیدا کرد (Langenbacher & Schellenberg, 2011). در مطالعه دیگری که در سال ۲۰۰۳ در همین کشور صورت پذیرفت نیز ۷۵ درصد اعتقاد داشتند که وفاداری مسلمانان نسبت به مسلمانان دیگر در جهان از وفاداری نسبت به هم میهنان بریتانیایی خود بیشتر است و حدود نیمی از آنان بر این اعتقاد بودند که بریتانیا با پذیرش مسلمانان در حال از دست دادن هویت خود می‌باشد (McLaren & Johnson, 2007). در دانمارک نیز یافته‌ها حاکی از آن است که بیش از نیمی از جمعیت، مسلمانان را تهدیدی برای هویت ملی خود می‌دانند. پاسخ دهندگان در مورد پرسشی مبنی بر اینکه «مسلمانان تا چه اندازه‌ای خواستار همگرایی در جامعه هستند» اکثریت معتقد به این بودند که مسلمانان خواستار آن هستند که فرهنگ خود را حفظ کنند و تمایلی به همگرایی با جامعه ندارند (Goodwin, 2011: 20).



شکل ۳- دیدگاه عمومی شهروندان شش کشور اتحادیه اروپا مبنی بر میزان همگرایی مسلمانان در جامعه.

این یافته‌ها به طور کلی نشان می‌دهد که فضای اسلام‌هراسی در کشورهای اروپایی به چشم می‌خورد و این مسئله لزوماً نتیجه یا عامل جریان راست افراطی نیست. با این حال این جریان در سال‌های اخیر از این موضوع بهره‌برداری کرده و توانسته نظر مخالفان حضور مسلمانان را به خود جلب کند. مطالعه اخیر نشان داده است که ۳۴ تا ۳۷ درصد از فرانسوی‌ها، هلندی‌ها، پرتغالی‌ها و دانمارکی‌ها پذیرفته‌اند که نسبت به مسلمان‌ها نگرشی منفی دارند. این رقم در آلمان ۵۹ درصد است. حزب آزادی هلند که توسط «خیرت ویلدرز» ۴۷ ساله، رهبری می‌شود سعی می‌کند که مهاجرت از کشورهای مسلمان را محدود کند، برای زنانی که محجبه هستند مالیات ببندد و انتشار قرآن و ساخت مساجد را در این کشور ممنوع کند. در طول دو سال گذشته، «خیرت ویلدرز» با وجود اینکه به اتهام هتک حرمت مسلمانان دادگاهی شد، هنوز به عنوان یکی از سیاستمداران پرطرفدار در این کشور شناخته می‌شود. هم در دانمارک و هم در هلند، دولت با اعمال سخت‌گیری‌های تدریجی برای مهاجران غیر غربی، به نوعی به اسلام‌هراسی در جامعه دامن زده است. در سایر کشورهای اتحادیه اروپا نیز که احزاب ضد اسلامی رشد خاصی نداشته‌اند، اسلام‌هراسی در خود جامعه نیرومند است. برای مثال، در تحقیقی که به تازگی صورت گرفته است، ۵۸ درصد آلمانی‌ها با محدودسازی آزادی‌های دینی مسلمانان موافقت. این نرخ، در شرق آلمان، به ۷۵ درصد می‌رسد. در این منطقه، شمار جمعیت مسلمان بسیار اندک است. ۳۷ درصد از آلمانی‌ها اعتقاد دارند که «آلمان فدرال»، بدون حضور مسلمان‌ها جای بهتری خواهد بود (آیا اروپا دچار بیماری اسلام‌هراسی شده است؟، ۱۳۹۳: در: <http://www.islamtimes.org/vdcauwn6o49nim1.k5k4.html>).

براساس گزارش سازمان حقوق اساسی اتحادیه اروپا^۱ از هر سه مسلمان در اروپا یک نفر تجربه مورد تبعیض قرار گرفتن را داشته است، بر پایه گزارش دیگری از بنیاد جامعه باز^۲ که براساس مصاحبه با مسلمانان در ۱۱ شهر از هفت کشور اروپایی صورت پذیرفته است ۵۰ درصد از مسلمانان مورد تبعیض قرار گرفته‌اند و در صورتیکه این میزان برای جمعیت غیر مسلمان حدود نه درصد بوده است.

در سال ۲۰۰۰، در جامعه آلمان پیمایشی انجام شد که نشان می‌داد اندکی بیش از نصف جمعیت آلمان با خارجی‌ها یا در محل کار و یا به عنوان دوست و آشنا تعارض داشته‌اند. حدود ۳۰ درصد آنها موافق بودند که خارجی‌ها باید از فعالیت سیاسی منع شوند و حدود ۵۰ درصد موافق بودند که آنها باید از ازدواج با آلمانها منع شوند (Pfaff and Gill, 2006: 812). نرخ بیکاری در بین خارجی‌ها در بریتانیا در حدود دو برابر بومیان این کشور است که این

1- EU Bureau on Fundamental Rights

2- Open Society Institute

نسبت برای مسلمانان بریتانیا بیشتر است. به عنوان مثال نرخ بیکاری در بین ترک‌ها حدود ۴۰ درصد است که حدود یک چهارم آنها سواد کافی ندارند (Pfaff and Gill, 2006:815).

نمی‌توان انکار کرد که مدارکی از عدم مدارا در ایالات متحده امریکا نسبت به مسلمانان یا آنچه برخی "اسلام‌هراسی" می‌نامند وجود دارد. به عنوان مثال، در نظرسنجی دانشگاه کورنل^۱ که در سال ۲۰۰۴ صورت گرفت، مشخص شد که ۲۷ درصد پاسخ‌دهندگان امریکایی باور داشتند که باید از مسلمانان خواسته شود محل سکونت خود را در دولت فدرال ثبت کنند؛ ۲۶ درصد گفتند که مساجد باید تحت کنترل شدید قرار گیرد؛ ۲۲ درصد باور داشتند که سازمان‌های فدرال باید مراقب افرادی باشند که سابقه ارتباط با اسلام یا خاورمیانه را دارند و ۲۹ درصد پذیرفتند که باید سازمان‌های فدرال در انجمن‌های مدنی مسلمانان نفوذ کنند تا مراقب فعالیت‌های آنها باشند. علاوه بر این، ۴۴ درصد افراد حاضر در نظرسنجی معتقد بودند که حداقل یکی از این محدودیت‌ها باید در مورد آزادی‌های مدنی مسلمانان امریکایی اعمال شود. از این نسبت و همکاران وی پی بردند که محافظه کاران سیاسی و افرادی که حمایت شدیدی از ارزش‌های مذهبی مسیحی می‌کنند، تمایل بیشتری به حمایت از محدودسازی آزادی‌های مدنی مسلمانان نسبت به سایر گروه‌ها دارند (هاوتن، ۱۳۹۳: ۲۱۳-۲۱۴). با این حال یکی از مهم‌ترین اقداماتی که می‌توان از آن به عنوان یادگار اسلام‌هراسی پس از ۱۱ سپتامبر ذکر کرد، آتش‌سوزی قرآن توسط تری جونز، کشیش کلیسای کوچکی در ایالات فلوریدا، به بهانه نهمین سالگرد ۱۱ سپتامبر می‌باشد (قنبرلو، ۱۳۸۸: ۱۰۴).

مع الوصف، تأکید بی‌مورد بر اسلام‌هراسی متناظر است با کاهش مداوم ترورهایی که به مسلمانان افراطی ارتباط پیدا کند. تحقیقی توسط مرکز مطالعه تروریسم و امنیت داخلی نشان داد که تعداد مسلمان‌های امریکایی که در ترورها نقش داشته اند، از ۴۹ نفر در سال ۲۰۰۹ به ۲۰ نفر در سال ۲۰۱۱ کاهش یافته است. از ۱۴ هزار قتلی که در سال گذشته در ایالات متحده رخ داده است، هیچ یک به افراط‌گرایان اسلام‌گرا ربطی نداشته است (گلنون، در: <http://www.entekhab.ir/fa/news/58108>).

در ژوئن ۲۰۰۵ یک فرد وابسته به گروه‌های افراطی تلاش کرد مسجدی واقع در روتردام هلند را به آتش بکشد. پس از حملات تروریستی ژوئیه ۲۰۰۵ در لندن، گروهی با سردادن شعارهای موهن علیه اسلام و مسلمانان به مساجد و مراکز اسلامی حمله کردند. پس از این نیز در سپتامبر ۲۰۰۵ در لیتس اتریش، مسجدی مورد سنگ پراکنی عده‌ای ناشناس قرار گرفت. در همین ماه، روزنامه «یولاندز پوستین» دانمارک، ۱۲ کاریکاتور تمسخرآمیز از پیامبر اکرم را منتشر کرد و در ژانویه ۲۰۰۶ عده‌ای در اسپانیا قرآن را به آتش کشیدند و کتاب‌های اسلامی

دیگر را در زباله‌دانی بیرون مسجد انداختند. در سپتامبر ۲۰۰۶ مصادف با ماه مبارک رمضان، در شهر یاروسلاول روسیه، عده‌ای پنجره‌های یک مسجد را شکستند و به داخل آن بمب‌های بنزینی انداختند (قنبرلو، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

در چارچوب نظامی‌گری و امپریالیسم جدید شاهد هستیم که چگونه با هدف امنیتی ساختن فزاینده و ایجاد رژیم متمایزی از شهروندی، ایده‌های نژادی و جنسیتی درباره افرادی که دارای ارزش‌های متفاوت هستند ایجاد می‌شود. در این زمینه، با متهم کردن مسلمانان به عنوان عامل رویارویی با غرب، نوعی فراشهروندی میهن پرستانه^۱ در جامعه القاء می‌شود (Qureshi and Zeithym, 2012: 123). در این راستا، در تاریخ ۲۹ ژوئن ۲۰۰۴ دادگاه اروپایی حقوق بشر^۲ تصویب کرد که سیاستگذاری‌هایی برای تنظیم ظواهر و نمادهای مذهبی در نهادهای عمومی به تصویب رسیده است. پس از تصمیم دادگاه اروپایی، دیگر دولت‌ها در راستای محدود نمودن پوشش مذهبی در استخدام اداری اقداماتی به عمل آوردند که در این میان دو ایالت‌های باواریا^۳ و بادن-ورتمبرگ^۴ آلمان از جمله آنها بودند. حتی دولت آلمان به رغم ادعای چندفرهنگ‌گرایی جهان وطن‌انگار^۵، در سال ۲۰۰۵ پوشیدن روسری و استفاده از دیگر نشانه‌های مذهبی را در اماکن عمومی ممنوع کرد که موجب اعمال محدودیت‌های شدید در فعالیت مسلمانان شد (Pfaff and Gill, 2006: 807).

شواهد دیگر حاکی از آن است که سیطره ایدئولوژی‌های ملی و اعمال سطوح متنوعی از طرد در قالب ایدئولوژی‌های ملی در دولت‌های اروپایی، موانع بی‌شماری را برای فعالیت مسلمانان اروپا ایجاد می‌کنند. در فرانسه از طریق ناسیونالیسم مدنی^۶ و در آلمان از طریق ناسیونالیسم قومی^۷ تلاش شده است تا آزادی‌های مسلمانان به شدت در محدودیت قرار گیرد (see: Klausen, 2005). نبرد علیه تروریسم تأثیر عمده‌ای بر سیاستگذاری کشورهای اروپایی درباره مهاجرین و نژادهای دیگر به ویژه مسلمانان داشته است. قانونگذاری‌های جدید، سیاستگذاری‌ها و اقدامات ضد تروریستی به ضرر مسلمانان تمام شده و با اعمال سیاست‌های شبه نژادپرستانه^۸، از آنها به عنوان «دشمنان داخلی»^۹ یاد می‌شود.

این نژادپرستی جدید از طریق سازوکارهای نهادی، ساختاری و در پوشش قانونی اعمال می‌شود در این تلقی، اسلام به مثابه تهدیدی برای اروپا قلمداد می‌شود که پیامد آن نه تنها

1 - patriotic 'supercitizen'
 2 - European Court of Human Rights
 3 - Bavaria
 4 - Baden-Württemberg
 5- cosmopolitan multiculturalism
 6- civic nationalism
 7- ethnic nationalism
 8- xeno-racism
 9- enemy within

نادیده گرفتن حقوق مدنی مسلمانان اروپا، بلکه اتخاذ سیاست همگون‌سازی تک فرهنگی^۱ از طریق سیاست یکسان‌سازی^۲ است. از این منظر، اقدامات همگون‌ساز نظیر منع حجاب در فرانسه ذیل قانون ضد تروریسم توجیه می‌شود. این پدیده نه تنها مبین اسلام‌هراسی^۳ است بلکه نوعی نژادپرستی بر ضد مسلمانان را صورتبندی کرده است (Fekete, 2004: 3-4). در هلند این بحث در قالب ارزشها و معیارها، در سوئد و نروژ در قالب موانع فرهنگی ادغام^۴، در بریتانیا در قالب انسجام اجتماعی^۵، در فرانسه در قالب لائیسیتته، در آلمان در قالب فرهنگ پیشرو^۶، در دانمارک با تأکید بر نابردباری فرهنگی مهاجرین به عنوان مانع ادغام و در اسپانیا در قالب امنیت عمومی و جرم تدوین شده است (Fekete, 2004: 18).

مسلمانان اروپا از عضویت در احزاب (اغلب بدون حق رأی) کنار گذاشته می‌شوند، درصد کمی از آنها دارای حق رأی اثرگذار هستند و به عنوان اجتماعات حاشیه‌ای^۷ قلمداد می‌شوند (Fetzer & Soper, 2005). از این رو، دولت‌های اروپایی با تدوین قوانین دقیقی سعی کرده‌اند که نوعی انحصارگرایی مذهبی^۸ ایجاد کنند و با کنترل دولتی و نظارت بیشتر بر مساجد و سازمان‌های اسلامی، تا حد زیادی کثرت‌گرایی مذهبی و نهادهای وابسته به دین اسلام را به شدت محدود سازند (Pfaff and Gill, 2006: 811).

کلیشه‌سازی درباره همه وجوه فرهنگ مسلمانان، فضایی را ایجاد می‌کند که از طریق آن سیاستمداران و رسانه‌ها با حمله به چند فرهنگ‌گرایی، به واسطه تأکید بر برابری فرهنگ‌ها آن را پوششی برای اقدامات فرهنگی بنیادگرایان مذهبی می‌دانند. در همین راستا، قانون ممنوعیت استفاده از هرگونه نماد مذهبی در مدارس و دانشگاه‌ها در سپتامبر ۲۰۰۴ در فرانسه به تصویب رسید و در ادامه تلاش شد تا مشاغل خصوصی هم مشمول این قانون شوند. همچنین در آوریل ۲۰۰۴ در دو ایالت آلمان قانونی به تصویب رساندند که بر پایه آن معلمین مسلمان حق استفاده از روسری را ندارند که ایالت‌های دیگر نیز چنین قانونی را به تصویب رساندند (Fekete, 2004: 19-26).

سیاست کنترل و مهار مسلمانان در اروپا با استناد به قانون مبارزه با تروریسم اتحادیه اروپا در دسامبر سال ۲۰۰۱ جلوه‌های خاصی به خود گرفته است. بر اساس این قانون، فعالیت تروریستی محدود به خشونت‌گرایی افراطی برای اهداف سیاسی نمی‌شود. بلکه هر نوع

1- monocultural homogeneity

2- assimilation

3- Islamophobia

4- Cultural barriers to inclusion

5- community cohesion

6- Leitkultur (leading culture)

7- Marginal communities

8- religious oligopoly

اقدامی که با هدف ایراد آسیب جدی به کشور یا سازمانهای بین‌المللی یا مجبور کردن حکومت به رفتار به شیوه‌ای خاص می‌باشد. در این راستا، دولت آلمان کنترل و مراقبت خود را بر مسلمانان مهاجر بیشتر کرد که ابتدا از دانشگاه‌ها شروع شد و در ادامه به مشاغل خصوصی تسری یافت که تا پیش از این سابقه نداشت. در آوریل ۲۰۰۲ بخش تحقیقات جنایی دولت فدرال بالغ بر ۶ میلیون مدرک را جمع‌آوری کرد و در بین آنها ۲۰ هزار نفر را به عنوان مظنون معرفی کرد و این در حالی بود که هیچ مدرک مستندی بر علیه آنها وجود نداشت. شاید تنها اتهام این افراد که سن غالب آنها بین ۱۸ تا ۲۴ سال بود، داشتن اعتقادات اسلامی و مهاجرت از کشورهای اسلامی بود (Fekete, 2004: 6-9).

یکی دیگر از رخدادها تروریستی علیه اسلام‌گرایان و مسلمانان، حادثه تروریستی ۲۰۱۱ نروژ است. در ۲۲ جولای ۲۰۱۱ و در پی پخش خبر وقوع یک حمله تروریستی در نروژ و در حالیکه هنوز ماهیت شخص یا گروه مسئول این حمله مشخص نشده بود، روزنامه «وال استریت ژورنال» در سرمقاله خود مسلمانان را مسئول احتمالی این حادثه خواند و ادعا کرد که نروژ به دلیل تعهد به آزادی بیان، برابری و دموکراسی مورد هدف این حمله واقع شده است. با وجود این به زودی مشخص شد این حمله تروریستی که بزرگترین در نوع خود پس از بمب گذاری‌های ۲۰۰۴ در لندن و مادرید به شمار می‌رفت نه توسط یک اسلام‌گرا بلکه توسط یک شخص با تفکرات راست افراطی و گرایش ضد اسلامی صورت پذیرفته است.

آندره برویک مسبب این حمله تروریستی که به کشته شدن ۷۷ تن منجر گردید در روز حمله یک اعلامیه ۱۵۰۰ صفحه‌ای را در اینترنت منتشر کرد و طی آن سیاستمداران اروپا را به ایجاد جامعه چند فرهنگی و تبدیل کردن اروپا به مستعمره مسلمانان متهم کرد. وی همانند سر مقاله‌نویس روزنامه وال استریت ژورنال مدعی شده است که اسلام رادیکال ارزش‌های جامعه نروژ را مورد تهدید قرار داده است. اشتباه سرمقاله‌نویس روزنامه ناشی از یک برداشت نادرست و مسلط در سیاست‌های مقابله با تروریسم در اروپا است که تنها یک نوع از تروریسم و یک شیوه از اجرای آن را به عنوان تهدید تلقی کرده و در عین حال از دیگر موارد چشم پوشی می‌کند (Kundnani, 2012: 1).

بر خلاف تروریسم بنیادگرایانه اسلام‌گرایان تندرو، مقامات امنیتی اروپا تروریسم راست افراطی را تهدید تلقی نکرده و آن را تنها یک معضل در مسایل مربوط به نظم عمومی در جامعه می‌دانند. برای مثال یورپل در گزارش اتحادیه اروپا درباره تروریسم که در سال ۲۰۱۱ منتشر شد اشاره می‌کند که راست‌گرایان افراطی باعث ایجاد نگرانی‌هایی در سطح جامعه شده‌اند ولی برای ساختار سیاسی، اقتصادی و قانونی کشورهای اروپایی خطری به شمار نمی‌روند (Europol, 2011).

این در حالی است که تنها اندکی پس از حادثه تروریستی نروژ مشخص گردید که در آلمان یک گروه نئونازی زیرزمینی کشف گردیده که به مدت ۱۳ سال بدون مشکل فعالیت می‌کرده و در طی این مدت ۸ مهاجر ترک، یک یونانی و یک پلیس زن را به قتل رسانده است. در تمام طول این مدت، سرویس‌های امنیتی محلی و فدرال آلمان ادعای تسلط بر فعالیت گروه‌های این چنینی را داشته‌اند.

مشخص است که یکی از دلایل پنهان ماندن فعالیت این گروه نئونازی از چشم مقامات آلمان، تمرکز یک جانبه آنها بر تهدیدهای جریان‌های اسلام‌گرایی تندرو بوده که به دقت رصد می‌شده است (2: Kundnani, 2012). برویک در اعلامیه‌اش بر این نکته تاکید کرده است که اسلام یک ایدئولوژی تمامیت خواه است که ارزش‌های اروپایی را مورد تهدید قرار داده و قانون شریعت را برای اروپا لازم‌الاجرا خواهد کرد و سیاستمداران را به این دلیل مقصر می‌داند که این روند اسلامی سازی نتیجه عدم کنترل آنها بر مسئله مهاجرت و در پیش‌گیری سیاست‌های چند فرهنگی بوده است. وی پس از این عملیات اعلام کرد که امیدوار بوده است که عملیات خشونت‌آمیز وی مورد توجه شهروندان اروپایی قرار گیرد و آنها را برای دفاع از ارزش‌های لیبرال اروپایی و بر علیه فرهنگ‌گرایی به میدان آورد (Breivik, 2011).

نبرد علیه تروریسم تأثیر عمده‌ای بر سیاستگذاری کشورهای اروپایی درباره مهاجرین و نژادهای دیگر به ویژه مسلمانان داشته است. قانونگذاری‌های جدید، سیاستگذاری‌ها و اقدامات ضد تروریستی به ضرر مسلمانان تمام شده و با اعمال سیاست‌های شبه نژادپرستانه^۱، از آنها به عنوان «دشمنان داخلی»^۲ یاد می‌شود. اسلام‌هراسی در اروپا، به ویژه انگلیس با محورهای زیر معرفی شده است (بشیر، ۱۳۸۹: ۱۰):

- طرد کردن و محروم سازی در حوزه‌های استخدامی، برخورد‌های سیاستمداران و دولت، برخورد‌های مدیران و مسئولان.
- خشونت در زمینه‌های: برخورد‌های توهین آمیز فیزیکی، تخریب دارایی‌ها، توهین کلامی و زبانی.
- تبعیض و تعصب نژادی در حوزه‌های: استخدام، خدمات عمومی، آموزش و پرورش، خدمات بهداشتی.

در نهادها و رسانه‌های امریکایی، اسلام‌هراسی همانند نژادپرستی یا یهودستیزی تعبیر می‌شود؛ به تعبیر چامسکی، یکی از مؤثرترین ترفندها آن است که بحثی را دامن بزنید، ولی آن را درون سیستمی از پیش فرض‌های ناگفته قرار دهید، به شکلی که این پیش‌فرض‌ها جزئی از

1- xeno-racism

2- enemy within

اصول کلی سیستم‌های نظری گردد؛ در نتیجه، این اصول از بررسی و تحلیل در امان می‌مانند و تبدیل به چارچوب و نظامی برای اندیشه‌های بدیهی می‌شوند، نه موضوعی برای تجزیه و تحلیل منطقی. در مباحث مربوط به ایران معمولاً استعاره‌هایی از قبیل قرارداد مونیخ، هیتلر و آلمان نازی می‌شنوید؛ برای مثال گوینده شبکه سی.ان.ان مکین بک می‌گوید، از زمان آلمان نازی بدین سو، ایران بزرگ‌ترین تهدید جهانی است که ظهور کرده است (مجیدی، ۱۳۸۸: ۸۱).

آلویس تافلر، نظریه پرداز سرشناس آمریکایی، درباره نقش رسانه‌ها در فرایند عملیات روانی در آینده معتقد است که وسایل ارتباطی عرصه نبرد آینده را می‌سازند که از گلوله‌های سلاح‌های جنگی بسیار مرگبارترند. رسانه‌ها نه تنها در گسترش و انتقال اخبار و اطلاعات در جامعه نقش دارند، بلکه در شکل‌دهی و اثرگذاری بر افکار عمومی و ارائه واقعیت‌ها به اشکال خاص، نقش بسزایی ایفا می‌کنند (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۸۸: ۱۱). ادوارد سعید در مقدمه کتاب *اسلام و رسانه‌ها* (۱۹۹۶)، سیمای جهان اسلام را در رسانه‌های غربی در دوران پس از جنگ سرد، با شاخصه‌های ذیل معرفی می‌کند: متحدان دارالاسلام، دین تروریستی، تشنگان خون، خطر برای غرب و سوء استفاده از زنان. یکی از جدیدترین نمونه مطالعات درباره چگونگی تصویر اسلام در رسانه‌های آلمانی، پژوهشی است به نام «چهره خشن و تضادگرایی اسلام» که در شبکه‌های تلویزیونی *ARD* و *ZDF* آلمان به مدیریت کی حافظ صورت می‌گیرد. مؤسسه او تمام برنامه‌های تلویزیونی این دو شبکه درباره اسلام در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است و بر اساس نتایج جالب توجه این تحقیق، در ۸۱ درصد از برنامه‌ها، اسلام با موضوعاتی که به طور مستقیم یا ضمنی دارای مفهوم منفی هستند، ارتباط داده شده است؛ به عنوان مثال در ۲۴ درصد از برنامه‌ها نام اسلام در کنار مقولاتی چون تروریسم و افراط‌گرایی قرار گرفته است. در ۱۶/۵۴ درصد از برنامه‌ها نام اسلام در کنار مسائلی مثل تضاد و کشمکش بین‌المللی مطرح است و در ۹/۷۷ درصد از برنامه‌های این دو شبکه تلویزیونی، اسلام مروج عدم تسامح و مدارا دانسته شده و در ۴/۵۱ درصد از برنامه‌ها بحث از اسلام، همزمان با بحث سرکوب زنان و تبعیض علیه آنان مورد توجه قرار گرفته است. تنها در ۸ درصد از برنامه‌ها از اسلام و ارتباط سازنده آن با مسائل اجتماعی و روزمره مورد بحث بوده است. در جمع بندی از این پژوهش آمده است؛ مشکل اصلی، معرفی مسائل منفی در کنار نام اسلام نیست، بلکه مهم آن است که بر اثربخشی این گونه برنامه‌های جهت دار، به تدریج ابعاد فرهنگی اسلام، کارکردهای مثبت آن در زندگی روزمره معتقدان و نیز دیگر نکات برجسته این دین، از اذهان عمومی در غرب محو می‌شود (پوراسمعیلی، ۱۳۹۴: در <http://peace-ips.org/fa/>).

براساس تحقیقات الیزابت پول در دایره‌المعارف مطالعات قومی و نژادی، رسانه‌ها نقش مهمی را در ایجاد فضای ضد اسلامی و اسلام‌هراسی ایفا کرده‌اند. وی با مطالعه مقالات روزنامه‌های انگلیسی بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۴ م به این نتیجه رسیده است که رسانه‌ها اغلب در پی نمایش تصویری منفی از مسلمانان هستند که در نتیجه این تصاویر، مسلمانان یک تهدید و دشمن برای ارزش‌های غربی محسوب می‌شوند. در نتیجه، عوامل بسیاری در ایجاد و گسترش اسلام‌هراسی در کشورهای اروپایی و ایالات متحده مؤثر بوده‌اند که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۲):

- ۱- رشد احساسات ضد مهاجرت در بیشتر کشورها.
- ۲- اقدامات تروریستی گروه‌های افراطی نظیر القاعده.
- ۳- خشونت و تبعیض سازمان‌یافته ضد مسلمانان با حمایت دولت‌ها و احزاب غربی.
- ۴- گسترش ایدئولوژی‌های خیر و شرگونه نظیر نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون.
- ۵- هراس از گسترش ایدئولوژی اسلام سیاسی.
- ۶- مشروعیت‌بخشی هوشمندانه دولت‌های غربی به دشمنی ضد اسلام و مسلمانان و نادیده گرفتن حقوق مسلمانان.
- ۷- هراس از گسترش اسلام و اسلامی شدن اروپا.
- ۸- ایجاد و گسترش موج رسانه‌ای ضد اسلام و مسلمانان.

یکی دیگر از زمینه‌های رسانه‌ای برای القای اسلام‌هراسی، انتشار کاریکاتورهای موهن از پیامبر اسلام (ص) در سال ۲۰۰۵ م در روزنامه‌ای دانمارکی در ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۵ م بود که نوعی ذهنیت خشن از اسلام و پیامبر اسلام را به مخاطب القاء می‌کرد. ماجرای شارلی ابدو (۲۰۱۵) و تکرار چاپ کاریکاتور اهانت‌آمیز به پیامبر اسلام، نشان‌دهنده کهنه نشدن اهمیت این مسئله‌ی تاریخی و دامن زدن به احساسات ضد اسلامی در کشورهای اروپایی به ویژه فرانسه و آلمان می‌باشد. اسلام‌هراسی در غرب به‌طور جدی یکی از معضلات امروز است که منجر به ایجاد فضای بی‌اعتمادی میان جهان اسلام و غرب شده و حیات جوامع مسلمان ساکن غرب را دشوار ساخته است.

توصیه‌های سیاستی

فهم دستگاه فکری اسلام‌هراسی و توجه به هنجارها و ادراکات بازتولید شده در متن آن نه یک اولویت، بلکه یک ضرورت است. ضرورتی که نیازمند اتخاذ رویکردی شناختی و عمیق است که به واسطه آن بتوان کنشی ایجابی را در مقابله با چنین امری ارائه کرد. بی تردید اصلی‌ترین چالش موجود در ایران و جهان اسلام، حفظ میراث غنی اسلام و ترسیم چشم-بند

اندازهایی است که از طریق آنها بتوان ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهای بومی را در رویارویی با امواج عظیم جهانی شدن حفظ و تقویت نمود.

در پایان بحث شایسته است برخی راهبردها جهت مقابله با اسلام‌هراسی ارائه شود:

۱- توجه به ملاحظات و حساسیت‌های دیگر کشورها در سیاستگذاری‌های فرهنگی: در این رابطه، فرصت باید ظرفیتی را فراهم نمود که در آن با احترام به مبانی فرهنگی - ملی کشورهای مذکور - زمینه‌های فرهنگی لازم را برای سیاست‌شناسایی تشابهات هویتی و فرهنگی و احترام به مفاخر ملی یکدیگر فراهم نمود. سرمایه‌گذاری فرهنگی در این زمینه و همکاری با محققان، پژوهشگران و دانشگاهیان، ایجاد مراکز - علمی - فرهنگی تجهیز کتابخانه‌ها، ... می‌تواند راهگشا باشد.

۲- به‌رغم نقش قابل ملاحظه دولت‌ها، نباید نقش سازمان‌های غیردولتی را در تنظیم و ایجاد همگرایی و تعامل فرهنگی فراموش نمود. ایجاد سازمان‌ها و مجامع غیردولتی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی که بتواند در چارچوب ایجاد دبیرخانه دائمی، کنفرانس‌های دوره‌ای و رایزنی‌هایی فرهنگی موجب نزدیکی هر چه بیشتر نخبگان و اندیشمندان شاخص برای آشنایی بیشتر با فرهنگ اسلامی و ایرانی گردد.

۳- آسیب‌شناسی فعالیتهای فرهنگی خارج کشور (صدا و سیما، مراکز اسلامی در لندن، هامبورگ، وین، واشنگتن، نیویورک، جامعه المصطفی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مجمع تقریب مذاهب اسلامی، معاونت سینمایی و هنری وزارت ارشاد)، تدوین راهبرد، اهداف و رویکردهای فرهنگی - هنری معرفی اسلام رحمانی به غرب، تغییر برخی مدیران فعلی نهادهای فرهنگی متولی امور خارجی، به کارگیری نیروهایی که شناخت کافی نسبت به اسلام و غرب دارند، برگزاری سمینارهای علمی و نمایشگاهها و برنامه‌های هنری ماهیانه در شهرهای اصلی غرب نظیر، لندن، واشنگتن، پاریس، نیویورک، برلین، رم، مادرید، برگزاری تورهای ایرانگردی برای تجار، اساتید، دانشجویان، روزنامه نگاران، نویسندگان و دیپلماتهای جهان غرب، تولید فیلمهای سینمایی و انیمیشن برای مخاطب غربی جهت معرفی فرهنگ و تمدن و ارزش‌های متعالی اسلامی، از جمله راهکارهای کاهش موج اسلام‌هراسی در غرب و تصحیح تصور نادرست غربی‌ها درباره اسلام است (صفوی، ۱۳۹۴: <http://peace-ipsc.org/fa/>).

۴- ایجاد شبکه‌های ماهواره‌ای و انتشار روزنامه‌ها، مجلات و فیلم‌هایی که بتوانند به معرفی و تثبیت عناصر و شاخص‌های مشترک در حوزه اسلام و ایران یاری رساند.

۵- گفتگو میان مسلمانان و غربی‌ها که از طریق روش‌های زیر ممکن است:

الف. تشویق اساتید دانشگاهی جهت نگارش آثار مشترک با نویسندگان غربی.

- ب. برگزاری همایش‌های بین‌المللی جهت شناسایی و جذب اساتید برای همکاری در راستای مقابله با اسلام‌هراسی.
- ج. ارتباط با نخبگان غربی و ارائه تصاویر صحیح از اسلام به آنان.
- د. ارائه امکانات لازم جهت بهره‌گرفتن از پتانسیل دانشجویان مسلمان و به‌ویژه ایرانی جهت معرفی اسلام ناب به دانشجویان دانشگاه‌های سراسر جهان.

منابع

الف) فارسی

- ۱- اسپوزیتو، جان (۱۳۸۲). اسلام به عنوان پدیده‌های غربی، پیامدهای آن بر اروپا و ایالات متحده، ترجمه محمدحسن نوروزی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲، ۱۵: ۱۷-۱.
- ۲- افتخاری، اصغر(الف). (۱۳۸۸). «اسلام‌هراسی در رسانه‌های غربی (مطالعه موردی روزنامه تایمز چاپ لندن)»، فصلنامه‌ی علمی-ترویجی رسانه، سال بیستم، شماره ۳.
- ۳- افتخاری، اصغر(ب) (۱۳۸۸). دو چهره اسلام‌هراسی. سلیبی و ایجابی در تبلیغات غرب. فصلنامه رسانه، سال بیستم، ش ۳: ۲۹-۴۴.
- ۴- ایران‌هراسی در سریال Intelligence، تاریخ آخرین دسترسی: ۱۳۹۴/۵/۱۲، در: <http://www.faraghlit.com/>
- ۵- ایران‌هراسی، تاریخ آخرین دسترسی: ۱۳۹۴/۵/۲۰، در: <https://fa.wikipedia.org/wiki/>
- ۶- ایران‌هراسی؛ ابزار کنگره برای تحریم ایران، تاریخ آخرین دسترسی: ۱۳۹۴/۵/۱۲، در: <http://www.psyop.ir/?p=158131>
- ۷- بشیر، حسن (۱۳۸۹)، اسلام‌هراسی: مقدمه‌ای برای ایران‌هراسی: رسانه‌های بیگانه: قرائتی با تحلیل گفتمانی، ماهنامه مدیریت ارتباطات، ش ۳، مرداد ماه: ۹-۱۲.
- ۸- بنارد، چریل (۱۳۸۳). چهار اسلام. ترجمه علی گل‌محمدی، ماهنامه زمانه، سال سوم، ش ۲۳، مرداد.
- ۹- بنگاش، ظفر (۱۳۸۹). نقش رسانه‌های غربی در گسترش اسلام‌هراسی پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در: همایش اسلام‌هراسی پس از ۱۱ سپتامبر: علل، روندها و راه حل‌ها، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ۱۰- پوراسمعیلی، نجمیه. بررسی دلایل هراس از اسلام در اروپا. مرکز بین‌المللی مطالعات صلح IPSC، تاریخ آخرین دسترسی: ۱۳۹۴/۵/۱۲، در: <http://peace-ipsoc.org/fa/>
- ۱۱- جرجیس، فواز، ای (۱۳۷۹). آمریکا و اسلام سیاسی. ترجمه محمدکمال سروریان. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۲- چشمه‌نور، مرتضی. (۱۳۹۳). از اسلام‌هراسی تا ایران‌ستیزی، تهران: انتشارات مرکز آموزشی شهید صیاد شیرازی.
- ۱۳- خانی، محمدحسن (۱۳۸۸). "اسلام‌هراسی در رسانه‌های غربی؛ مطالعه موردی روزنامه تایمز چاپ لندن"، فصلنامه علمی ترویجی وسایل ارتباط جمعی، سال بیستم، شماره ۳، شماره پیاپی ۷۹، پاییز: ۵۷-۴۵.
- ۱۴- درخشه، جلال و حسینی فائق، سیدمحمد مهدی (۱۳۸۸). اسلام‌هراسی در رسانه‌های غربی؛ مطالعه موردی رسانه‌های بریتانیا، فصلنامه علمی ترویجی وسایل ارتباط جمعی، سال بیستم، شماره ۳، شماره پیاپی ۷۹، پاییز: ۱۰-۲۹.
- ۱۵- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۲). اسلام‌هراسی در غرب: جنگ سرد جدید فرهنگی علیه مسلمانان در آمریکا و انگلیس. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- ۱۶- رشد جمعیت مسلمانان اروپا ۳۵ درصد است، تاریخ آخرین دسترسی: ۱۳۹۱/۱۱/۲۵، در:
- ۱۷- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۳). درآمدی براسلام و جهانی شدن، تهران: بوستان کتاب قم.

فرایندهای هویتی در غرب و بازنمایی سیاستگذاری مبتنی بر هراس: درک... ۱۳۹

- ۱۸- سراج، رضا. ایران هراسی چرا و چگونه؟، تاریخ آخرین دسترسی: ۱۳۹۴/۵/۱، در: http://www.aftabir.com/articles/view/politics/iran/c1c1257416901_iran_p1.php/
- ۱۹- سیمبر، رضا (۱۳۸۹). سیاست خارجی آمریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران، دانش سیاسی، دوره ۶، شماره ۱۲، زمستان، صفحه ۱۰۷-۱۳۸.
- ۲۰- شیرغلامی، خلیلی (۱۳۹۰). «اسلام هراسی و اسلام ستیزی: ده سال پس از حادثه ۱۱ سپتامبر»، سیاست خارجی، شماره پایانی ۹۹، زمستان.
- ۲۱- شیرغلامی، خلیل (۱۳۸۸). جایگاه اجتماعی و سیاسی مسلمانان در اروپا. فصلنامه سیاست خارجی. سال بیست و سوم، ش ۲: ۳۹۵-۴۴۹.
- ۲۲- صفوی، سید سلمان. ریشه‌های اسلام‌هراسی در غرب و راه کارهای مقابله با آن، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح IPSC، تاریخ آخرین دسترسی: ۱۳۹۴/۵/۱۲، در: <http://peace-ipsc.org/fa/>
- ۲۳- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۸). «۱۱ سپتامبر و گسترش پدیده اسلام هراسی در غرب»، جستارهای سیاسی معاصر، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۱۰۳-۱۲۲.
- ۲۴- کرین، هنری و دیگران (۱۳۸۱). روح ایران، ترجمه محمود بهفروزی و مقدمه داریوش شایگان، تهران: پند نامک.
- ۲۵- گلنون، پاتریک. چرا اسلام هراسی در غرب رواج یافته است؟ مترجم: مجید بیگلر، تاریخ آخرین دسترسی: ۱۳۹۴/۵/۲۹، در: <http://www.entekhab.ir/fa/news/58108>
- ۲۶- مجیدی، محمدرضا و صادقی، محمد مهدی (۱۳۹۳). اسلام هراسی غربی تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- ۲۷- مجیدی، حسن (۱۳۸۸). گفتمان اسلام هراسی در آمریکا؛ مطالعه موردی فاکس نیوز، فصلنامه علمی ترویجی و سایل ارتباط جمعی، سال بیستم، شماره ۳، شماره پایانی ۷۹، پاییز: ۸۷-۷۲.
- ۲۸- مصلحی، محمد. نقش عربستان در پروژه ایران هراسی، تاریخ آخرین دسترسی: ۱۳۹۴/۵/۱۲، در: <http://islamworld2020.persianblog.ir/post/363>
- ۲۹- نصری، علی. سه موج متفاوت ایران هراسی؛ از ایرانی گروگانگیر تا امپراطوری ایران!، در: <http://www.parsine.com/fa/news>
- ۳۰- نظری، علی اشرف (۱۳۸۷). «غرب، هویت و اسلام سیاسی: تصورات و پنداشت‌های غرب از اسلام». فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره ۱، بهار، صفحات ۷۲-۵۵.
- ۳۱- والست، استفان. ایران هراسی، بیابان‌های داغ و درآمدهای نفتی، تاریخ آخرین دسترسی: ۱۳۹۴/۵/۷، در: <http://revolution.pchi.ir/show.php?page=contents&id=15118>
- ۳۲- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۴). نظریه برخورد تمدن‌ها. ترجمه مجتبی امیری. چاپ ششم. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۳۳- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۶). «اسلام و غرب: از درگیری به گفتگو». ماهنامه پیام امروز، ش ۲۱، دی ماه.
- ۳۴- هاوتن، دیوید پاتریک (۱۳۹۳). روانشناسی سیاسی، ترجمه: علی اشرف نظری و شهرزاد مفتوح. تهران: نشر قومس.

(ب) انگلیسی

- 35- Akbarzadeh, Shahram and Fethi Mansouri (2007), *Islam and Political Violence Muslim Diaspora and Radicalism in the West*, London, New York, Tauris Academic Studies.
- 36- Breivik, A. (2011), *A European Declaration of Independence* available at: http://www.fas.org/programs/tap/_docs/2083_A_European_Declaration_of_Independence.pdf.
- 37- Cainkar, Louise (2004) "The Impact of The September 11 Attacks and Their Aftermath on Arab and Muslim Communities in the United States". *GSC Quarterly* 13, Summer/ Fall.
- 38- Castells, Immanuel (1994). *European cities, the informational society and the global Economy*. *New left review*, 204
- 39- *Europe Muslim Population in 2011 (in million)*, at: http://en.wikipedia.org/wiki/Islam_in_Europe.

- 40- Europol, (2011), *EU Terrorism Situation and Trend Report*. Last visited: 15/8/2015, At: <https://www.europol.europa.eu/content/press/europol-organised-crime-threat-assessment-2011-429>.
- 41- Fekete, Liz (2004), *Anti-Muslim racism and the European security state*, *Race Relations*, Vol. 46(1): 3-29.
- 42- Fuller, Graham E. (2003), *The Future of Political Islam*. Macmillan: Palgrave.
- 43- Gerges, Fawaz (1999), *America and Political Islam: Clash of Cultures or Clash of Interests*. Cambridge: Cambridge University Press.
- 44- Glennon, Patrick *The Never-Ending Crusade Why does Islamophobia persist?* Last visited: 15/8/2014, At: http://inthesetimes.com/article/12862/the_never_ending_crusade.
- 45- Good, James and Irving Velody. *The Politics of Postmodernity*, Cambridge: Cambridge U.P. 1998.
- 46- Goodspeed, Peter. Last Updated: Nov 26, 2011 available at: <http://fullcomment.nationalpost.com/2011/11/26/peter-goodspeed-the-arab-spring-has-allowed-iran-to-expand-its-sphere-of-influence>.
- 47- Henkel, H. (2004), *Rethinking the dar al-harb: Social change and changing perceptions of the West in Turkish Islam*. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 30(5), 961-978.
- 48- Hilmi, Tareq (2003), "America That We Hate" *Al, sab*, October 17. See on-line at: <http://alarabnews.com/alshaab/GIF/17-10-2003/TAREQ.HTM>.
- 49- <http://features-pewforum.org/muslim-population>.
- 50- <http://www.oxforddictionaries.com/definition/english/Islamophobia>.
- 51- Huntington, Samuel (1993), "If Not Civilizations, What? Paradigms of the Post Cold War World" *Foreign Affairs*. November / December.
- 52- Kinnvall, Catarina & Paul Nesbitt-Larking (2011), *The political psychology of globalization: Muslims in the West*, Oxford: Oxford University Press.
- 53- Klausen, J. (2005), *The Islamic challenge: Politics and religion in Western Europe*. Lo.
- 54- Kundnani, A. (2012), "Blind Spot? Security Narratives and Far-Right Violence in Europe". *International Centre for Counter-terrorism*. (Report).
- 55- Pfaff, Steven and Anthony J. Gill (2006). *Will a Million Muslims March? Muslim Interest Organizations and Political Integration in Europe*, *Comparative Political Studies* Volume 39 Number 7, September: 803-828.
- 56- Turner, Bryan (2003), *The Politics of the world and the politics of the eye*, thesis Eleven, Number 73, May: P 52(51-69).
- 57- Turton, David and Julia Gonzalez (2000), *Ethnic Diversity in Europe: Challenges to the Nation State*, Bilbao, Humanitariannet, University Of Deusto.
- 58- Zick, A., Küpper, B. and Hövermann, A. (2011), *Intolerance, Prejudice and Discrimination: A European Report*. Berlin: Friedrich-Ebert-Stiftung.